

نامه عمر به یزدگرد سوم ساسانی و پاسخ یزدگرد به آن

یک سند تاریخی

ایران ما - آنچه برای آگاهی هم وطنان ارجمند ایرانی در ذیل می آید متن ترجمه نامه عمر خلیفه دوم به یزدگرد سوم ساسانی و پاسخ یزدگرد به عمر می باشد. نسخه اصلی این نامه ها در موزه لندن نگهداری می شود. زمان نگاشته شدن این نامه ها مربوط می شود به پس از جنگ قادسیه و پیش از جنگ نهاوند که حدوداً چهار ماه به طول انجامید.

از عمر بن الخطاب خلیفه مسلمین به یزدگرد سوم شاهنشاه پارس یزدگرد، من آینده روشنی برای تو و ملت تو نمی بینم مگر اینکه پیشنهاد مرا بپذیری و با من بیعت کنی. تو سابقاً بر نصف جهان حکم می راندی ولی اکنون که سپاهیان تو در خطوط مقدم شکست خورده اند و ملت تو در حال فروپاشی است. من به تو راهی را پیشنهاد می کنم تا جانت را نجات دهی. شروع کن به پرستش خدای واحد، به یکتا پرستی، به عبادت خدای یکتا که همه چیز را او آفریده. ما برای تو و برای تمام جهان پیام او را آورده ایم، او که خدای راستین است. از پرستش آتش دست بردار و به ملت خود فرمان بده که آنها نیز از پرستش آتش که خطاست دست بکشند، بما ببینند الله اکبر را پرستش کن که خدای راستین است و خالق جهان. الله را عبادت کن و اسلام را بعنوان راه رستگاری بپذیر. به راه کفر آمیز خود پایان بده و اسلام بیاور و الله اکبر را منجی خود بدان. با این کار زندگی خودت را نجات بده و صلح را برای پارسیان بدست آر. اگر بهترین انتخاب را می خواهی برای عجم ها (لقبی که عربها به پارسیان می دادند بمعنی کودن و لال) انجام دهی با من بیعت کن. الله اکبر خلیفه مسلمین عمر بن الخطاب

از شاه شاهان، شاه پارس، شاه سرزمینهای پرشمار، شاه آریایی ها و غیر آریایی ها، شاه پارسیان و نژادهای دیگر از جمله عربها، شاه فرمانروایی پارس، یزدگرد سوم ساسانی به عمر بن الخطاب خلیفه تازیان (لقبی که پارسیان به عربها می دهند به معنی سگ شکاری)

پاسخ یزدگرد:

به نام اهورا مزدا آفریننده زندگی و خرد تو در نامه ات نوشته ای می خواهی ما را به راه راست هدایت کنی، به راه خدای راستینت، الله اکبر، بدون اینکه هیچگونه آگاهی داشته باشی که ما که هستیم و چه را می پرستیم. این بسیار شگفت انگیز است که تو لقب فرمانروای عربها را برای خودت غصب کرده ای آگاهی و دانش تو نسبت به امور دنیا به همان اندازه عربهای پست و مزخرف گو و سرگردان در بیابانهای عربستان و انسانهای عقب مانده بیابان گرد است. مردک، تو به من پیشنهاد می کنی که خداوند یکتا را بپرستم در حالیکه نمی دانی هزاران سال است که ایرانیان خداوند یکتا را می پرستند و روزی پنج بار به درگاه او نماز می خوانند. هزاران سال است که در ایران، سرزمین فرهنگ و هنر این رویه زندگی روزمره ماست. زمانیکه ما داشتیم مهربانی و کردار نیک را در جهان می پروراندیم و پرچم پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک را در دستهایمان به اهتزاز درمی آوردیم تو و پدران تو داشتند سوسمار میخوردند و دخترانتان را زنده بگور می کردید. شما تازیان که دم از الله می زنید برای آفریده های خدا هیچ ارزشی قائل نیستید ، شما فرزندان خدا را گردن می زنید، اسرای جنگی را می کشید، به زنها تجاوز می کنید، دختران خود را زنده به گور می کنید، به کاروانها شبیخون می زنید، دسته دسته مردم را می کشید، زنان مردم را میزدید و اموال آنها را سرققت می کنید. قلب شما از سنگ ساخته شده است.

ما تمام این اعمال شیطانی را که شما انجام می دهید محکوم می کنیم. حال با اینهمه اعمال قبیح که انجام می دهید چگونه می خواهید به ما درس خدانشناسی بدهید؟

تو بمن می گویی از پرستش آتش دست بردارم، ما ایرانیان عشق به خالق و قدرت خلقت او را در نور خورشید و گرمی آتش می بینیم. نور و گرمای خورشید و آتش ما را قادر می سازد که نور حقیقت را ببینیم و قلبهایمان برای نزدیکی به خالق و به همنوع گرم شود. این بما کمک می کند تا با همدیگر مهربانتر باشیم و این نور اهورایی را در اعماق قلبمان روشن می سازد .

خدای ما اهورا مزداست و این بسیار شگفت انگیز است که شما تازه او را کشف کرده اید و نام الله را بر روی آن گذارده اید. اما ما و شما در یک سطح و مرتبه نیستیم، ما به همنوع کمک می کنیم ، ما عشق را در میان آدمیان قسمت می کنیم، ما پندار نیک را در بین انسانها ترویج می کنیم، ما هزاران سال است که فرهنگ پیش رفته خود را با احترام به فرهنگ های دیگر بر روی زمین می گسترانیم ، در حالیکه شما به نام الله به سرزمینهای دیگر حمله می کنید، مردم را دسته دسته قتل عام می کنید، قحطی به ارمغان می آورید و ترس و تهی دستی به راه می اندازید، شما اعمال شیطانی را به نام الله انجام می دهید. چه کسی مسئول اینهمه فاجعه است؟

آیا الله به شما دستور داده قتل کنید، غارت کنید و ویران کنید؟

یا اینکه پیروان الله به نام او این کارها را انجام می دهند؟ و یا هر دو؟

شما می خواهید عشق به خدا را با نظامی گری و قدرت شمشیر هایتان به مردم یاد بدهید. شما بیابان گردهای وحشی می خواهید به ملت متمدنی مثل ما درس خدانشناسی بدهید. ما هزاران سال فرهنگ و تمدن در پشت سر خود داریم، تو بجز نظامی گری، وحشی گری، قتل و جنایت چه چیزی را به ارتش عربها یاد داده ای؟ چه دانش و علمی را به مسلمانان یاد داده ای که حالا اصرار داری به غیر مسلمانان نیز یاد بدهی؟ چه دانش و فرهنگی را از الله ات آموخته ای که اکنون می خواهی به زور به دیگران هم بیاموزی؟

افسوس و ای افسوس ... که ارتش پارسیان ما از ارتش شما شکست خورد و حالا مردم ما مجبورند همان خدای خودشان را این بار با نام الله پرستش کنند و همان پنج بار نماز را بخوانند ولی اینکار با زور شمشیر باید عربی نماز بخوانند چون گویا الله شما فقط عربی می فهمد .

من پیشنهاد می کنم که تو و همدستانان به همان بیابانهایی که سابقا عادت داشتید در آن زندگی کنید برگردید. آنها را برگردان به همان جایی که عادت داشتید جلوی آفتاب از گرما بسوزند، به همان زندگی قبیله ای ، به همان سوسمار خوردن ها و شیر شتر نوشیدنها.

من تو را نهی نمی کنم از اینکه این دسته های دزد را (ارتش تازیان) در سرزمین آباد ما رها کنی ، در شهر های متمدن ما و در میان ملت پاکیزه ما.

این چهار پایان سنگدل را آزاد مگذار تا مردم ما را قتل عام کنند، زنان و فرزندان ما را بربایند، به زنهای ما تجاوز کنند و دخترانمان را به کنیزی به مکه بفرستند. نگذار این جنایات را به نام الله انجام دهند، به این کارهای جنایتکارانه پایان بده. آریایها بخشنده، خونگرم و مهمان نوازند، انسانهای پاک به هر کجا که بروند تخم دوستی، عشق ، آگاهی و حقیقت را خواهند کاشت بنابراین آنها تو و مردم تو را بخاطر این کارهای جنایتکارانه مجازات نخواهند کرد.

من از تو می خواهم که با الله اکبر در همان بیابانهای عربستان بمانی و به شهرهای آباد و متمدن ما نزدیک نشوی ، بخاطر عقاید ترسناکت و بخاطر خوی وحشی گریت .

یزدگرد سوم ساسانی

من که به ایرانی بودن خودم افتخار می کنم ، شما چه طور ؟